



آقای هاشمی، نظر امام درباره آیت‌الله خامنه‌ای را وقتی مطرح کرد که از سوی برخی از نمایندگان، مسأله رهبری ایشان به شکل تلویحی مطرح شده بود و از آقای هاشمی خواستند که در این باره بیشتر توضیح بدهد

نطق پرشور مخالفت

بنده، در آن مطرح بشود. حالا این را که من نمی‌خواهم درباره آن صحبت کنم. مسأله، اشکال فنی دارد؛ اشکال اساسی دارد. من، حالا قبلاً خدمت آقای هاشمی هم گفتم، در یکی دو هفته قبل از اینکه همین قضیه مطرح بوده و ایشان فرمودند، من جداً به ایشان گفتم «من، قاطعاً چنین چیزی را قبول نخواهم کرد.» حالا غیر از اینکه خود من حقیقتاً لایق این مقام نیستم و این را بنده می‌دانم - شاید آقایان هم می‌دانند - اصلاً از لحاظ فنی، اشکال پیدا می‌کند این قضیه. رهبری، رهبری صوری خواهد بود و نه رهبری واقعی. خوب، من نه از لحاظ قانون اساسی و نه از لحاظ شرعی، برای بسیاری از آقایان، حرفم حجیت حرف رهبر را ندارد؛ این، چه رهبری خواهد بود... اجازه بفرمایید. قانون اساسی که خوب، می‌گوید مرجع، حالا یا مرجع شأنی یا فعلی؛ آنکه حالا هیچ، از لحاظ شرعی هم حجیت قول رهبر در صورتی است که آن کسی که می‌خواهد به حرف او عمل کند، او را فقیه و صاحب‌نظر در امور دین بدانند؛ خوب، الان در همین جلسه، چند نفر از آقایان آمدند صحبت کردند، تصریح کردند که «بنده، صاحب‌نظر نیستم»، همین آقای آذری که اسم بنده را اول بار آوردند در جلسه، بنده اگر حکم بکنم، قبول خواهند کرد؟

سخنان آقای هاشمی همه‌های در مجلس پدید آورد. با این حال هنوز اثر سخنان وی بر خبرگان معلوم نشده بود که آقای خامنه‌ای از جای خود برخاست و بدون نوبت قبلی برای بیان مطالب خود پشت تریبون قرار گرفت. آقای امینی و آقای هاشمی از وی می‌خواهند درباره رهبری فردی و شورایی صحبت نکنند، چرا که فردی بودن رهبر به تصویب خبرگان رسیده و دیگر امکان بحث درباره آن وجود ندارد. لحن هاشمی کاملاً بی‌پروا و صریح است: «آقای خامنه‌ای! ما تصویب کردیم شورایی نباشد، شما بر خلاف مصوبه ما نمی‌توانید بگویید.» در همین حین یکی از نمایندگان به آقای خامنه‌ای می‌گوید که «من چند حرف دارم بگویم؛ شما جواب مرا بدهید.» این نماینده ظاهراً می‌کوشد تا پیش از بیان اظهارات آقای خامنه‌ای، او را برای قبول مسئولیت رهبری قانع کند. از این رو با پاسخ آقای خامنه‌ای رویه‌رو می‌شود: «بگذارید من عرض بکنم؛ بعد، شما می‌فرمایید؛ دیگر حالا وقت‌مان که هست.» به این ترتیب آقای خامنه‌ای نطق کوتاه، اما تاریخی خود را آغاز می‌کند:

سید علی خامنه‌ای: «بسم الله الرحمن الرحیم. اولاً و قاطعاً باید خون گریست بر جامعه اسلامی که احتمال کسی مثل



یک دیالوگ تاریخی

دیالوگ تاریخی مبادرت کرد. ناطق نوری در یک سخنرانی در مشهد که به حمایت از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای ایراد کرده بود، این ماجرا را چنین تعریف کرده است: ناطق نوری: «فقها و علمای ما وقتی در مجلس خبرگان، بحث و بررسی در مورد آیت‌الله خامنه‌ای را مطرح کردند، به ایشان وقت دادند که حرف بزنند. به ایشان گفتند که می‌خواهید شکسته‌نفسی کنید؟ توضیح کنید؟ حرف شما در این مورد حجیت ندارد و هر چه ما بگوییم همان است. بالاخره ایشان یک جمله گفتند که اگر من انتخاب شوم بیخود نمی‌خواهم باشم. رهبرم و امر نمی‌دارم. اگر چیزی بگویم شماها اطاعت می‌کنید؟ حضرت آیت‌الله آذری قمی وقت گرفته و گفت: آقا اگر انتخاب شوید به‌عنوان رهبر، من اعلام می‌کنم: اطاعت و پیروی از شما واجب و مخالفت با شما حرام [است]. ولی امر ما شما می‌باشم و شما را واجب الطاعة قبول داریم و اوامر شما را انجام می‌دهیم.»

گفت‌وگوی دو نفره آقای خامنه‌ای و آقای آذری یک دیالوگ تاریخی است. حوادث سال‌های بعد و مخالفت آشکار آقای آذری با آیت‌الله خامنه‌ای باعث شد این دیالوگ از سوی برخی به‌عنوان یک پیشگویی تاریخی تلقی شود. آنها، اینکه آقای خامنه‌ای دقیقاً از کسی به‌عنوان شخصیت احتمالاً ناسازگار با رهبری احتمالی خود یاد کرد که همین ناسازگاری هم در سال‌های بعد عیناً اتفاق افتاد را شگفت‌انگیز می‌دانستند و برخی قائل به کرامت‌آمیز بودن این اقدام آقای خامنه‌ای شدند:

محمد تقی مروراید: «به نظر من یکی از کرامت‌های آقای خامنه‌ای همین بود که وقتی ایشان وارد مجلس شد، آقای خامنه‌ای گفت همین آقای آذری مخالفت خواهد کرد.»

ماجرای این گفت‌وگو از همان ایام خردادماه ۶۸ به اطلاع عموم رسیده بود. در روزهای پس از پایان اجلاس خردادماه، روزنامه رسالت به صاحب امتیازی خود آقای آذری قمی، به چاپ روایت ناطق نوری از این

شهادت هاشمی رفسنجانی به اشارات امام

نغمه‌دیم از کجا درز کرده، اما ما نگفتیم. خود آقای خامنه‌ای اصرار داشتند این را مطرح نکنید. ایشان به من فرمودند «مبادا بگویید!» من هم نمی‌گفتم. یک بار دیگر من خصوصی خدمت امام رفتم. باز روی همین مسأله [بحث کردم]. من چون در جلسه عمومی شرمم می‌آمد، خیلی مثلاً یک‌دندگی کردم و ور رفتم روی مسأله؛ باز ایشان به من در همان جلسه فرمودند که «شما، وقتی مثل آقای خامنه‌ای را دارید چرا تردید دارید؟ چرا مشکل دارید؟» بار سوم، این را احمد آقا دیروز به ما گفت - در جمع چند نفریام گفت - گفت: «وقتی آقای خامنه‌ای کره بودند و فیلمشان با آقای کیم ایل سون داشت نمایش داده می‌شد، منظره خوبی بود آنجا.» آقای احمد آقا گفتند که «من گفتم: آقای خامنه‌ای خوب جا افتادند در این موارد. واقعاً خوب آبرویی هستند برای نظام.» ایشان فرمودند که «واقعاً ایشان شایسته رهبری هستند.» این هم حرف سومی که البته این را از احمد آقا نقل می‌کنم با واسطه، آنی که عرض می‌کنم، آقای اردبیلی و من و آقای احمد آقا و آقای نخست‌وزیر، در جلسه بودیم، با هم شنیدیم. این مسموعات ما است.»

[مطرح کنیم]. ما شاهد هم داریم.» در اینجاست که آقای موسوی اردبیلی، به آقای هاشمی می‌گوید که بر این مطلب و آن اشارات، شهادت می‌دهد: «آقای هاشمی، من شاهدیم.» هاشمی، پس از شهادت آقای اردبیلی، سخنان خود را ادامه می‌دهد: هاشمی رفسنجانی: «شاهدید؟ بله. ما یک جلسه با رؤسای قوا و نخست‌وزیر و احمد آقا خدمت امام بودیم - همان موقعی که مسأله آقای منتظری داغ شده بود - ما با امام مباحثه داشتیم. یکی از احتجاجات مان با امام این بود که شما اگر آقای منتظری را کنار بگذارید، ما در رهبری دچار مشکل می‌شویم.» امام هم شورایی را خیلی تمایل نداشتند. هیچ وقت؛ فرد را هم ما می‌گفتیم «ما فردی را نداریم الان که مطرح بکنیم در جامعه.» چون ما فرضمان بر مرجعیت بود با همان مسائل، امام فرمودند: «چرا ندارید؟ آقای خامنه‌ای.» البته ما می‌توانستیم آن روز، حمل کنیم این را بر اینکه امام خوب برای اینکه ما را قانع بکنند بگویند در بن بست نیستید [این را فرموده‌اند]. ما در این مقدار البته قرار هم گذاشتیم به کسی نگوئیم و ما هم نگفتیم و قاطعاً، اما ما بعداً شنیدیم درز کرده؛

با این اقدام، نه تنها توجه هیأت رئیسه که کل مجلس به این افراد جلب می‌شود. در اینجا آقای هاشمی رفسنجانی، نه تنها به مقاومت خود پایان می‌دهد، بلکه با سرعت، ابتکار عمل را به دست گرفته و به درخواست آنها ترتیب اثر می‌دهد:

هاشمی رفسنجانی: «اجازه بدهید. این حرف آقای شبستری را می‌خواهند آقایان [که مطرح کنیم؟] آقای شبستری، چیزی از آقای طاهری [خرم‌آبادی] شنیده که «امام، جمله‌ای درباره آقای خامنه‌ای گفته‌اند.» سندش من هستم، اگر آقایان مایل اند من نقل کنم والا نه.» پیشنه‌های آقای هاشمی با استقبال نمایندگان مواجه شد: «بله بفرمایند.» با تأکید آقای طاهری خرم‌آبادی که سند این روایت «آقای هاشمی است»، هاشمی رفسنجانی سخنان خود را از سر می‌گیرد:

هاشمی رفسنجانی: «آن که ما از حضرت امام [شنیده‌ایم]، البته امام توی این صحبتشان، در این سندی که امروز خواندیم، گفتند «چیزهایی را قبول کنید از من که نوشته باشد یا در رادیو گفته باشم»، این، آن نیست که در رادیو ایشان گفته‌اند [یا...]. اولاً؛ منتها ما شاهد، چهار پنج تا داریم که اینجا می‌توانیم

سکوت مخالفان

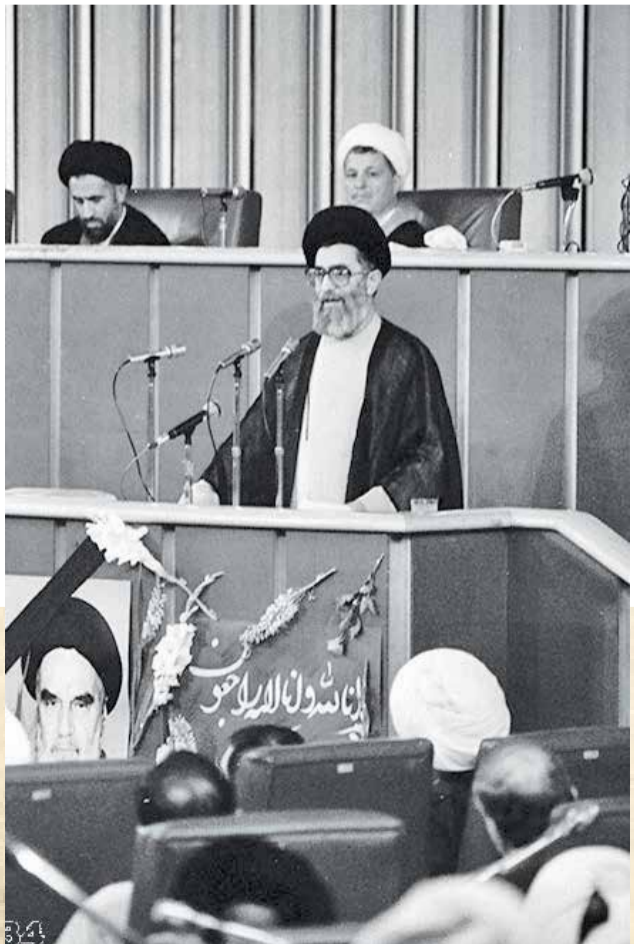
شایستگی آقای خامنه‌ای کافی می‌دانستند. در اینجا است که آقای آذری قمی خود برای پاسخگویی به سخنان آقای خامنه‌ای بلند می‌شود و با استناد به نظرات امام، اشکالات و نگرانی‌های وی را رد می‌کند:

آذری قمی: «بگذارید من جواب می‌دهم. من اعتقاد این است؛ همان‌طوری که امام در آنجا تصریح کردند هر کس را که خبرگان - که نمایندگان مردم هستند - او را انتخاب کردند، حالا به‌عنوان مجتهد باشد، به‌عنوان صدق عدول المؤمنین باشد، حتی بالاتر برود، هم ولایت مطلقه دارد، عقیده من این است و هم صلاحیت اطاعت... یعنی حکم شما لازم نیست حتماً مجتهد باشد [تا مطاع باشد]؛ اگر مجتهد هم نباشید از باب صدق عدول مؤمنین [واجب الاتباع است]...»

اشاره آقای آذری به آن بخش از نامه امام به آقای مشکینی بود که «[در امر رهبری] مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهراً

با نام آوردن از آقای آذری، همه‌ها مجلس را فرا گرفت و نمایندگان سخنان آقای خامنه‌ای را قطع کردند. مخالفان احتمالی انتخاب آقای خامنه‌ای سخنی نمی‌گفتند و این هواداران این انتخاب بودند که سعی می‌کردند گزینه مطلوب خود را برای پذیرش مسئولیت رهبری متقاعد کنند. آنها معتقد بودند پس از انتخاب وی از سوی خبرگان، همگان از او اطاعت خواهند کرد. آقای خلخالی در جواب همین اشکال آقای خامنه‌ای که آیا به فرض مثال، کسی مثل آقای آذری قمی از احکام مثل او پیروی خواهد کرد، گفت: «بعد از رهبر شدن بله. ما مرجع تقلید نمی‌خواهیم درست کنیم که... مسأله تمام است، ما که نمی‌خواهیم از شما تقلید بکنیم.» با این حال آقای خامنه‌ای پاسخ داد که «بحث تقلید نیست، بحث حکم است.» به زعم وی، اگر چه قرار نیست رهبری مرجعیت تقلید را نیز برعهده داشته باشد اما پیروی نخبگان جامعه از احکام و تدابیر او، در گرو پذیرش صلاحیت و شایستگی او برای صدور حکم خواهد بود. بعضی نمایندگان هم بیان کردند که «امام، شما را صاحب‌نظر دانسته است» و همین را در اثبات

رهبری فردی پدید آمد و آنها با توسل به فریاد و خطاب قراردادان هیأت رئیسه سخنشان را به گوش خبرگان رساندند. قریباً: «به هر حال، من به آیت‌الله محسن شبستری که در طرف راست من نشسته بود، گفتم: من شنیده‌ام که امام فرمودند: اگر من از دنیا رفته، بهترین کسی که می‌تواند جانشین من باشد، آقای خامنه‌ای است؛ آیا شما درباره آقای خامنه‌ای چیزی شنیده‌اید؟ گفت: من نیز شنیده‌ام که امام گفته اگر



فرموده‌اند... گفتم مطالبی را من شنیده‌ام آیا این واقعیت دارد؟ شما شهادت بدهید.» معصومی شاهرودی: «من بلند شدم و گفتم: «مگر ما خبرگان مردم نیستیم؟ از استانی که یک پنجم ایران است نماینده شده‌ایم. چرا نامه ما را نمی‌خوانید؟ چرا نخوانید؟ برای چه؟» در اسناد مجلس خبرگان هست. آقای هاشمی هم گفتند که آقای خامنه‌ای به خواندن این نامه راضی نیستند.»

سخنی گفته‌اند، بگویند تا همه آقایان بدانند، بالاخره سخن امام برای ما خیلی مهم است.» آقای شبستری و علی اصغر معصومی هم مشابه همین ماجرا را روایت کرده‌اند:

مجتهد شبستری: «من دیدم استدلال آقایان به جایی نمی‌رسد. بلافاصله بلند شدم. با صدای بلند گفتم «جناب آقای رفسنجانی من یادداشتی داده بودم. حالا وقتش است که شما شهادت بدهید. شنیدم که امام درباره جناب آقای خامنه‌ای مطالبی

من از دنیا رفتم، آقای خامنه‌ای بهترین کسی است که می‌تواند رهبر نظام باشد. وقتی آقای شبستری این مطلب را گفت، من بی‌درنگ به ایشان گفتم: پس برخیزیم و با هم فریاد بکشیم و این مطلب را برای همه نمایندگان حاضر بگوئیم. آنگاه بنده و آقای شبستری چنان فریاد کشیدیم که همه نمایندگان و رئیس مجلس خبرگان متوجه ما دو نفر شدند. ما گفتیم: آقایان! اگر امام درباره شایستگی رهبری آقای خامنه‌ای

شما در این باره شایستگی رهبری آقای خامنه‌ای